

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

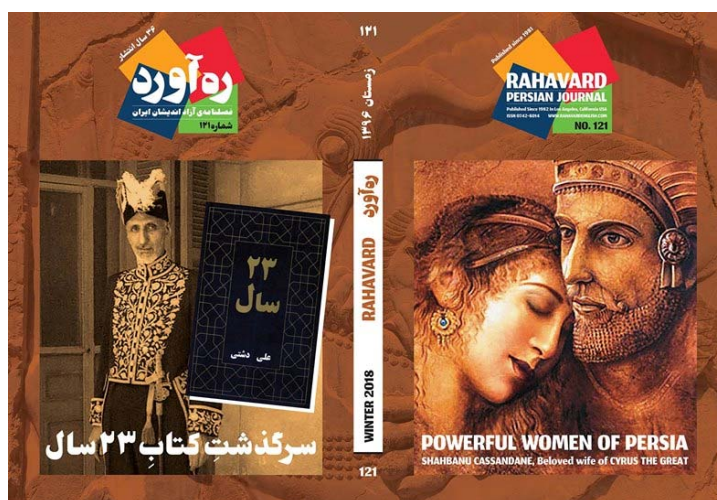
مسائل ایدئولوژیک

نوشتۀ: هوشنگ معین زاده

۰۹ جنوری ۲۰۱۸

سرگذشت کتاب ۲۳ سال - ۱

علی دشتی، علینقی منزوی و من



کتاب ۲۳ سال از کتاب‌های کم نظیر و آگاهی بخش است که پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، به صورت پنهانی در میان اهل نظر دست به دست می‌گشت. پس از انقلاب نیز این کتاب سر منشاء و الهام بخش بسیاری از نوشته‌های روشنگرانه‌ای شد که در باره اسلام و پیام‌آورش نوشته شد. به عبارت دیگر: به همان شیوه‌ای که پدران ما پس از تازش اعراب و سقوط سلسله ساسانی به رویارویی اسلام برخاسته بودند، این بار نیز پس از سقوط سلسله پهلوی و تسلط آخوندها بر ایران، فرزندان ایرانی به رویارویی حکومت آخوندها برخاستند.

اسناد و مدارک متعدد تاریخی، گواهی می‌دهند که ایرانیان، نخستین مردمانی بودند که دین اسلام را به تجزیه و تحلیل کشیدند و محتوای آن را از نظر دینی و جنبه فلسفی مورد مطالعه و بررسی و نقد قرار دادند. باز ایرانیان بودند که با افزودن روایاتی در قالب حدیث و سنت و تدوین فقه و دیگر ملزومات یک دین، اسلام ساده عربی را به صورت یک دین جهانشمول در آوردند. چرا که واقعیت‌های تاریخی به روشنی نشان می‌دهند که اعراب مسلمان شده، آن توان فکری و فرهنگی را نداشتند که چیزی به دین ساده و ابتدائی پیغمبر خود بیفزایند. نگاهی به اسلام اولیه و تنها سند باقی

مانده از پیغمبر آن، «قرآن»، بسادگی نشان می‌دهد که آنچه امروزه به نام دین اسلام و مذاهب و مکاتب مربوطه به آن وجود دارد، همان‌هایی هستند که ملل تحت استیلای اعراب و در رأس آن‌ها، ایرانیان تهیه و تدوین کرده و به اسلام افزوده‌اند، تا بتوانند در سایهٔ اختناق حاصل از سلطهٔ خشونت بار اعراب، به سلامت زندگی کنند.

بی‌گمان پیروان مکتب معتزله نخستین کسانی بودند که کوشیدند با نگاه خردمندانه، احکام و قوانین اسلام را تعبیر و تفسیر عقلانی کنند که متأسفانه کارشان بی‌نتیجه ماند. با این همه، فرزندان ایرانی دست از تلاش و کوشش برنداشتند. در این کارزار، روزبه پوردادویه (ابن مُقَفَّع) که او را می‌توان به عنوان پیشگام و نخستین فرزانهٔ روشنگر ایرانی بعد از ظهور اسلام نامید، با ترجمهٔ آثار نیاکان خود، این زمینه را آماده ساخت تا هم‌میهنانش بتوانند با افکار و اندیشه‌های پدران خود آشنا شوند و آن‌ها را با تعالیم اسلام، مقایسه کنند. در پی او شاخص‌ترین شخصیت ایرانی که در این زمینه می‌توان از او نام برد، محمد بن زکریای رازی، فیلسوف، کیمیا دان و پزشک نامدار ایرانی است که هم‌زمان با ارائهٔ فلسفهٔ «قدمای خمسه»، در مقابل توحید اسلامی، شدیدترین انتقادات را به اصل نبوت و حرفهٔ پیغمبری وارد کرد.

نام بردن از فرزاندانی که در طول ۱۴۰۰ سال گذشته با افکار و اندیشه‌های خود به مصاف اسلام رفته‌اند، در این مختصر نمی‌گنجد، و ما در اینجا به همین اندازه اکتفاء می‌کنیم که بگوئیم: نقد تحلیلی احکام و قوانین به اصطلاح الهی یا آسمانی، قرن‌ها قبل از این که غرب مسیحی به این اندیشه بپیفتد، در ایران اسلامی شروع شده بود. علت این که بینشوران ایرانی مانند اندیشمندان غربی در کار خود موفق نشدند، یکی این بود که ایرانیان در میان همهٔ کشورهای مسلمان شده، تنها مردمانی بودند که این بار سنگین را به دوش می‌کشیدند. دیگر این که هنوز صنعت چاپ در کشورهای شرقی، مانند عصر روشنائی در غرب، شروع نشده بود. سه دیگر این که، ایران در چهار راهی قرار داشت که از چپ و راست و از شمال و جنوب مورد هجوم اقوامی بود که درگیری با آن‌ها، فرصت کافی برای مردم آن باقی نمی‌گذاشت که بتوانند با فراغ بال به این کار بپردازند.

پس از عصر روشنائی در غرب و تابش انوار آن به شرق، بار دیگر بینشوران ایرانی، دست به کار شدند. نمونه‌های شاخص آن میرزا فتحعلی آخوند زاده، میرزا آقا خان کرمانی، میرزا عبدالرحیم طالیبوف و بسیاری دیگر هستند. وقتی هم در اثر کوشش فرزندان ایران، نهضت مشروطه پا گرفت و ایرانیان نیز توانستند با تشکیل پارلمان و ایجاد حکومت مشروطه تا حدودی به استبداد حکومتی پایان دهند. تکلیف باورهای دینی نیز با ظهور رضا شاه بزرگ به صورت یک امر کاملاً شخصی در آمد. بگذریم از این که با تبعید او کار بزرگ وی ناتمام ماند.

پس از این مقدمهٔ کوتاه، سخن را به کتاب ۲۳ سال و شرح حال شخصیت‌هایی که این کتاب را به ملت ایران ارمغان کرده‌اند، می‌پردازیم. اشارهٔ کوتاهی هم به نقش این کتاب در کارزار مبارزات ایرانیان خواهیم کرد.

الف: علی دشتی

علی دشتی در سال ۱۲۷۶ شمسی، در شهر کربلا در یک خانوادهٔ روحانی ایرانی متولد شد. تحصیلات ابتدائی او مطابق معمول آن زمان، در مکتب خانه‌های قدیمی کربلا گذشت و پس از آن به حوزه‌های علمیهٔ کربلا و نجف رفت و آخوند شد.

در سن ۲۴ سالگی در اواخر جنگ جهانی اول، به ایران آمد. زمان کوتاهی در دشتستان اقامت گزید و سپس به شیراز و از آنجا به اصفهان رفت و در نهایت راهی تهران شد.

در بررسی زندگینامهٔ علی دشتی به آسانی می‌شود به دو حوزهٔ کاملاً متفاوت و جدا از هم اشاره کرد:

۱- حوزه سیاست که علی دشتی نیز مانند بسیاری از هم عصرانش در زد و بندهای سیاسی زمان خود شرکت کرد و همانند هر سیاستمداری، بازیگری‌های خاص خود را داشت. به همین علت نیز در طول ایامی که به سیاست مشغول بود، هم طعم زندان را و هم مزه تبعید را چشید. بی‌شک از مزایای سیاست بازی نیز به حد کمال بهره‌مند شد! نماینده مجلس شورای ملی و سنا، سفیر کبیر ایران در مصر و لبنان شد و کوتاه مدتی نیز لباس وزارت بر تن کرد که در این نوشتار کاری به بررسی حوزه سیاسی او نداریم.

۲- در حوزه فرهنگ و ادبیات، علی دشتی علاوه بر مقاله نویسی و انتشار روزنامه «شفق سرخ»، یکی از کارهای عمده‌اش ترجمه کتاب از زبان عربی و فرانسه به زبان فارسی بود که آن را در زندان شروع کرد. و سپس مانند بسیاری از صاحبان قلم، به قصه نویسی پرداخت و آثار ماندگاری مانند: **فتنه، جادو، سایه، هندو** و غیره به ادبیات فارسی ارمغان کرد و به عنوان یکی از نویسندگان پر کار عصر خود شناخته شد.

علی دشتی، پس از موفقیت در عرصه قصه نویسی، چشم از آن پوشید و به عرصه تحقیق در ادبیات کلاسیک قدم گذاشت. با انتشار کتاب‌های فاخری مانند: «**نقشی از حافظ**»، «**سیری در دیوان شمس**»، «**دمی با خیام**»، «**نگاهی به صائب**»، «**در قلمرو سعدی**»، «**شاعر دیر آشنا (نقدی بر خاقانی)**»، «**کاخ ابداع اندیشه گوناگون حافظ**»، «**در دیار صوفیان**»، «**تصویری از ناصر خسرو**» که هر یک در نوع خود در ادبیات ایران تازگی داشت و شاهکاری به حساب می‌آمد.

علی دشتی کتاب‌های بسیاری نیز در جهت روشنگری و بیداری ایرانیان به رشته تحریر در آورد، مانند «**پرده پندار**»، «**تخت پولاد**»، «**جبر است یا اختیار**»، «**عقلا بر علیه عقل**»، «**در دیار صوفیان**» و غیره که در هر یک از این کتاب‌ها به مراتب از کتاب ۲۳ سال تند و تیزتر به دکانداران دین و مذهب حمله کرد.

یادمان باشد که در دوران پر جنب و جوش و حرکت شتاب آمیز دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوران رضا شاه بزرگ و سپس در زمان پسرش محمد رضا شاه، بسیاری از بزرگان و صاحب‌نظران دلسوز ایرانی، ضمن این که این دو پادشاه را یاری می‌دادند، در عین حال نیز می‌کوشیدند با تألیف و ترجمه و تعبیر و تفسیر نوشته‌های بزرگان ایران و جهان در بیداری مردم ایران و آگاه ساختن آنان نقشی بر عهده داشته باشند.

در این عرصه ما می‌توانیم به نام ده‌ها، بلکه صدها تن از این بزرگان اشاره کنیم و آثار گرانبهای شان را به یاد آوریم که چگونه هر یک از این شخصیت‌ها، چه خدمات ارزنده‌ای به فرهنگ ایران کرده‌اند و چه اثراتی در بیداری ایرانیان داشته‌اند که یکی از برجسته‌ترین این شخصیت‌ها علی دشتی است.

نگاهی به کتاب‌هایی که علی دشتی جهت آگاهی و بیداری ایرانیان نوشته و منتشر کرده است، نشان می‌دهد که این مرد بزرگ چه قدم مهمی برداشته و چه خدمت گرانبهایی به مردم ایران کرده است. او با احساس خطری که همیشه از جانب دینمداران دکاندار می‌کرد، کوشید تا حاصل تحقیقات و تجربیات و تفکرات خود را در اختیار هم‌میهنان خود قرار دهد تا مبدا از نو به دام فریب و نیرنگ این قشر از جامعه بیفتند.

در طول هزار و چهار صد و اندی سال از تاریخ اسلام، تنها در ایران و به زبان فارسی هزاران کتاب و مقاله و نقد و بررسی در باره اسلام نوشته و منتشر شده است که سر بسیاری از نویسندگان آن‌ها هم به باد رفته و بسیاری از آن نوشته‌ها هم معدوم شده است. با این همه می‌توان گفت که هیچ یک از آن نوشته‌ها به اندازه کتاب ۲۳ سال در امر روشنگری اثر گذار نبوده و مورد استقبال مردم قرار نگرفته است. گواه بارز آن نیز این است که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، کتاب ۲۳ سال که تا آن تاریخ به صورت پنهانی و آن‌هم در نزد خواص حضور داشت، یک باره در سطح وسیع و گسترده‌ای در سرتاسر ایران، در دسترس همگان قرار گرفت.

واقعیت این است که با وقوع انقلابی که آن را رنگ و لعاب دینی و مذهبی زدند و بخش بزرگی از گردانندگان آن هم آخوندها بودند، «حرکت روشنگری عصر جدید ایران» هم آغاز شد. حرکتی که زیر بنای فلسفی آن، کتاب ۲۳ سال علی دشتی بود.

علی دشتی بی‌آنکه خبر از وقوع انقلاب، آن هم از نوع اسلامی‌اش، داشته باشد، با کتاب ۲۳ سال خود جامعه ایرانی را به رویارویی مکتب و مسلک آخوندها فرا خوانده بود. مکتب و مسلکی که خود او به خوبی از کهنگی و بی‌پایه و بی‌اساس بودن آن، کاملاً آگاه بود. او با کتاب ۲۳ سال خود، چشم و گوش مردم، به ویژه قشر نو ظهور طبقه متوسط جامعه ایران را باز کرد، قشری که شوربختانه فریب وعده‌های کاذب گردانندگان فریبکار و خدعه گر انقلاب را خورد و هیزم بیار معرکه کهنه آخوندها شد.

علی دشتی را در زندان حکومت اسلامی آن‌قدر شکنجه و آزار دادند که پیر مرد کارش به بیمارستان کشید و در آن‌جا بود که خسته و درمانده از دوست دیرین خویش، زنده یاد سعیدی سیرجانی تقاضای قرص سیانور کرد تا به زندگی‌اش پایان دهد. زیرا دیگر توان تحمل خفت و خواری و شکنجه‌های روحی و جسمی را نداشت.

گفتنی است، دژخیمان اسلامی وقتی دیدند که چراغ عمر پیر مرد در اثر درد و رنجی که به جسم نحیف و به جان ضعیفش داده‌اند، رو به خاموشی است، رهایش کردند تا در خانه‌اش بمیرد و ننگ کشتن یک ادیب فرزانه دیگر به گردن حکومت اسلامی نیفتد! به خصوص این که این ادیب فرزانه، روز و روزگاری خود به جامعه آخوندی تعلق داشت و در مکتب آخوندها تلمذ کرده و به اجتهاد رسیده بود. کسی که بهتر از همه آخوندها از چم و خم تاریکخانه دین و مذهب اطلاع داشت و خصلت آخوندها را هم خوب می‌شناخت. به همین علت هم مانند بسیاری از فرهیختگان ایرانی، دیر زمانی بود که از جرگه این جماعت جدا شده و به اختیار خود، خویشان را خلع لباس آخوندی کرده بود.

از عجایب روزگار این که، بیشتر زمامداران حکومت اسلامی، از خمینی گرفته تا آخوندهای ریز و درشت آن، نه می‌دانستند و نه باور می‌کردند که بزرگترین ضربه به بنیاد حکومتشان، از سوی کتاب ۲۳ سال علی دشتی خواهد خورد.

و، این طنز تلخ تاریخ است که

همزمان با ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ که خمینی بر اریکه قدرت نشست، در هر گوشه و کنار شهرها و شهرستان‌ها، حتی در خارج از ایران، علی دشتی با کتاب ۲۳ سال خود، حضور پیدا کرد و با افشاگری‌های تاریخی خود، بنای مکتب و مسلکی که خمینی و آخوندها آن را نمایندگی می‌کردند، به باد نقد گرفت.

تا پیش از ظهور و به قدرت رسیدن خمینی و عرضه ولایت فقیه او، مردم ایران، کاری به چگونگی پیدایش دین اسلام و مذهب شیعه نداشتند و با ناهنجاری‌های گذشته این دو پدیده نیز کنار آمده، به گونه‌ای با آن‌ها مدارا می‌کردند. گذشته اسلام و نحوه مسلمان و سپس شیعه مذهب شدن پدرانشان را هم به فراموشی سپرده بودند و کاری هم به دین و ایمان دیگران نداشتند.

پس از ظهور رضا شاه و تلاش‌های سرسختانه او برای کوتاه کردن دست آخوندها از سر مردم و حکومت، اینان به صورت جدی به حاشیه رانده شده بودند تا جایی که کوشش سرسختانه آن‌ها، پس از رضا شاه نیز نتوانست مردم ایران را مانند گذشته، از نو به زیر چتر سلطه آخوندی بکشانند.

اگر دخالت بیگانگان نبود که از گذشته‌های دور با قشر آخوند، بده و بستان‌های آنچنانی داشتند که اسناد و مدارک آن به فراوانی منتشر شده است؛ و اگر حمایت جهان غرب از دین برای مقابله با ایده کمونیسم نبود، مسلماً مسأله آخوند و معرکه آخوندی در کشور ما برای همیشه از رونق و اعتبار می‌افتاد.

علی دشتی با کتاب ۲۳ سال، پل ارتباطی روشنگران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، با روشنگرانی است که پس از انقلاب اسلامی پا به این میدان گذاشتند. روشنگرانی که به عکس دوران‌های پیش از ۱۳۵۷، دیگر ترسی از جان باختن و هراسی از ضرب و شتم آخوندها و دارو دسته آن‌ها ندارند. بی پروا می‌کاوند و می‌جویند و می‌اندیشند و بی-باکانه می‌گویند و می‌نویسند و در بیداری و آگاهی هم‌میهنان خود می‌کوشند.

**

ب: دکتر علینقی منزوی

دکتر علینقی منزوی، نویسنده، ادیب، محقق، اسلام شناس و کتابشناس نامدار ایرانی است که در انتشار کتاب ۲۳ سال نقش مهم و اساسی را بر عهده داشت.

او بزرگترین پسر شیخ آقا بزرگ تهرانی، دانشمند و عالم شیعی و مؤلف کتاب مشهور «الذریعه» بود که از دانشگاه تهران، دکترای الهیات در رشته معقول و منقول و از دانشگاه سن ژوزف بیروت دکترای فلسفه داشت. علینقی منزوی در تألیف لغتنامه دهخدا با علی اکبر دهخدا و محمد معین همکاری می‌کرد و مدت‌ها هم از همکاران مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بود. پس از درگذشت دکتر محمد معین هم کرسی استادی او در رشته فوق لیسانس دانشکده ادبیات بر عهده وی گذاشته شد.

علینقی منزوی در سال ۱۳۴۵ به علت اتهامات سیاسی به عراق گریخت و به مدت ۹ سال در عراق و لبنان به سر برد. در سال ۱۳۵۴ در زمان سفارت منصور قدر در لبنان، به درخواست دخترش، دکتر پروین منزوی و به روایتی با پا درمیانی نائل خانلری و علی دشتی که از دوستان او بودند، پرونده سیاسی‌اش مختومه شد و به ایران بازگشت.

آثار بسیار گرانبهایی که در رشته‌های مختلف ادبی و فرهنگی از دکتر علینقی منزوی به جا مانده، بیانگر آن است که او اندیشمند سخت کوشی در خدمت فرهنگ ایران بود. با این که او در یک خانواده روحانی متولد شده، رشد و نمو کرده بود و مانند بسیاری از بزرگان پیشین کشورمان محصل مکتب خانه‌ها و حوزه‌های مذهبی بود، با بسیاری از اهل ادب و فرهنگ ایران آشنائی، دوستی و همکاری داشت. متوسل شدن علی دشتی از تهران به علینقی منزوی در بیروت، برای چاپ کتاب ۲۳ سال، نشانگر پیوند فکری این دو انسان فرزانه بود.

علی دشتی برای چاپ کتاب خود، با همه امکاناتی که در ایران در اختیارش بود، دست به دامن علینقی منزوی شد و این بار گران را بر دوش او نهاد. کسی که بی کمترین تردیدی، این مسئولیت را پذیرفت، بی‌آن که کوچکترین هراسی به دل راه دهد، یا تصور آن را بکند که به خاطر کمک به انتشار این کتاب، ممکن است وی را به زندان بيفکنند و شکنجه‌اش دهند....

لازم به یاد آوری است که لبنان و شهر زیبای بیروت آن، همیشه یکی از مراکز مهم فرهنگی خاورمیانه و جهان اسلام بوده است. بسیاری از کتب دینی و فلسفی اسلامی بدون کمترین سانسوری در بیروت چاپ و منتشر می‌شد، و در این مورد خاص شهرت بسزائی داشت. از این‌رو بودن دکتر علینقی منزوی در بیروت را یکی از دلایل عمده‌ی متوسل شدن علی دشتی به او باید در نظر داشت.

قصه کتاب ۲۳ سال

کتاب ۲۳ سال تا زمانی که به صورت کتاب منتشر شود، مسیر جالبی را طی کرده بود. می‌گویند، مطالب این کتاب در جلساتی که در خانه علی دشتی با حضور بعضی از خواص بر پا می‌شد، مورد بحث و مذاکره قرار می‌گرفت.

- زنده یاد دکتر محمد عاصمی، سردبیر فصلنامه وزین کاوه، پس از مرگ علی دشتی، در مقدمه انتشار این کتاب که در خارج از ایران انجام گرفت و اسم علی دشتی به عنوان نویسنده این اثر ذکر شده بود، شرح قصه کتاب ۲۳ سال و انتشارش در فصلنامه کاوه را چنین توضیح داده بود:

«دشتی در سال ۱۳۵۲ در سفری که به مونیخ کرد، از من (محمد عاصمی) خواست که با او ملاقات کنم. در این دیدار کتابی را به من داد که سه روزه مطالعه کنم و نظرم را نسبت به آن به ایشان بگویم.» عاصمی می‌نویسد: " کتاب ۲۳ سال را بیست و چهار ساعته خواندم و از پیشداوری‌های خود نسبت به دشتی شرم‌منده شدم." بیست و سه سال بدون نام و نشان نویسنده در کاوه به چاپ می‌رسد. عاصمی هم بر سر قول خود می‌ایستد و این راز را تا پس از مرگ دشتی پنهان نگاه می‌دارد.

- جواد وهاب زاده یکی از دوستان علی دشتی نیز در سایت «انقلاب اسلامی» در باره کتاب ۲۳ سال، در ۲۷ اگست ۲۰۱۲ چنین نوشته است:

«در اواخر تابستان ۱۳۵۱ سپتمبر ۱۹۷۲ طبق مرسوم همه ساله ایشان را به مونیخ آوردم. این بار زنده یاد علی دشتی در هتل کونیکش هوف، کتابی استنسیل شده به من مرحمت فرمودند که در صفحه نخست آن، عنوان کتاب ۲۳ سال بود. اما نامی از نویسنده کتاب برده نشده بود. ایشان تأکید کردند که آن را بعداً بخوانم و نظر خود را در مورد مطالب کتاب ابراز دارم.....»

فصل آخر کتاب مرا بیش از فصول دیگر به خود مشغول داشت. سبک نگارش کتاب برایم جای شبهه‌ای نمی‌گذاشت که نگارنده کتاب کسی جز زنده یاد دشتی نیست.»

روز بعد به اتفاق دوست قدیمی خود آقای دکتر محمد عاصمی که مایل به ملاقات با ایشان بود، به دیدار زنده یاد دشتی رفتیم. پس از ساعتی عاصمی خدا حافظی کرد و رفت و من و دشتی تنها ماندیم. پس از ساعتی در حین خداحافظی، ایشان به من توصیه کردند که کتاب را برای مطالعه در اختیار دوستم دکتر عاصمی بگذارم. من و دکتر عاصمی هر دو مسحور مطالب کتاب ۲۳ سال شده بودیم و به تشویق و خواهش او من در دیدار بعدی از زنده یاد دشتی پرسیدم که آیا اجازه می‌دهد بخش‌هایی از کتاب را در مجله کاوه چاپ کنیم؟ ایشان پاسخ دادند که بعداً از تهران شما را مطلع می‌کنم. از تهران به من پیغام فرستادند که چاپ بخش‌هایی از کتاب در مجله کاوه مانعی ندارد، اما بدون ذکر نام ایشان.

با مشورت دکتر عاصمی فصل آخر کتاب ۲۳ سال را که تحت عنوان پس از ۲۳ سال، ماجرای خلافت ابوبکر بود، انتخاب کردیم و در فروردین ۱۳۵۲ مارچ ۱۹۷۳ همراه با مقدمه‌ای از نگارنده به چاپ رسید که نقل آن خالی از فایده نیست:

- «عاصمی عزیز، یکی از دوستان ارجمند و بزرگوار من که نویسنده‌ای سرشناس و مردی است مردستان، از راه لطف و مهربانی کتاب پیوست را که تحت عنوان بیست و سه سال نوشته به من سپرده است.

وقتی کتاب را خواندم به این فکر افتادم که با نظر تو در باره چاپ و نشر آن تصمیمی اتخاذ کنیم. ولی چون با وضع مالی مجله آشنا هستم و از مشکلات کار تو در این زمینه آگاهم، می‌دانم که در حال حاضر چاپ جداگانه این اثر نفیس برای کاوه امکان ندارد. به همین جهت پیشنهاد می‌کنم قسمت‌هایی از این کتاب را در مجله به چاپ برسانی، تا وقتی که از نظر مالی دستت باز شد به چاپ جداگانه آن مبادرت ورزی. این نویسنده صاحب عقیده از رجال ادبی اجتماعی معروف ایران است. سال‌های درازی که من و تو هنوز خود را نمی‌شناختیم روزنامه نویسی بنام بوده است و شماره تألیفاتش از اعداد دو رقمی در گذشته است و سیر و سلوکش در دیوان‌های متقمین بر جسته سرزمین ما

از تفحص‌های مؤثر و جاندار دوران اخیر بوده است. ایشان دلشان نمی‌خواهد این مطالب فعلاً با نام خودشان نشر شود. می‌گویند سبک هر نویسنده‌ای با خود آن نویسنده است و طبیعی است که با این قنوا خوانندگان هوشیار مجله به فراست در خواهند یافت که این نثر محکم و مستدل و سنگین و دلپذیر از خامه کدام هنرمند خلاقی تراویده است. با سلام و اخلاص و سپاس، جواد وهاب زاده.»

مجله کاوه را همراه نامه‌ای برای زنده یاد دشتی به تهران فرستادم. ایشان بلافاصله در نامه‌ای طولانی، پس از تفقد و تشویق متذکر شدند که با خواندن این مقدمه همه کس متوجه می‌شود که نویسنده کتاب من هستم و حتی به شوخی نوشته بودند که این مقدمه فقط نام و نشانی منزل من را کم داشت و تأکید کردند که حتماً در شماره بعدی کاوه به نحوی به اصلاح آن بپردازم. در شماره بعدی مجله کاوه خرداد ماه ۱۳۵۲ برابر با جون سال ۱۹۷۳ در بخش دوم تحت عنوان ۲۳ سال، سودای غنیمت با نامه‌ای کوتاه از من به شرح زیر به چاپ رسید:

«-عاصمی عزیز، مقدمه شماره گذشته اشتباهی داشت که با این تذکر امید رفع آن را دارم. قضیه این است که دوست صاحب‌نظر بنده که این مطالب را به اختیار من گذاشته‌اند، نویسنده آن نیستند و متأسفانه نویسنده اصلی را ایشان هم نمی‌شناسند. به هر حال آنچه مسلم است و عکس‌العمل خوانندگان مجله هم مؤید آن است، مطالبی است عمیق پر مغز و روشنگر، و علی‌علیه السلام فرموده است: بنگر که چه می‌گوید، منگر که، که می‌گوید. بنابر این باید از این نوشته‌ها بهره گرفت و بر غنای اندیشه کمک کرد. نویسنده هر که باشد خدایش توانائی بیشتر در اندیشیدن بدهد که ما را نیز از این رهگذر نصیبی رسانده است. باسلام و اخلاص و سپاس - جواد وهاب زاده.»

جواد وهاب زاده می‌گوید: شادروان علی دشتی میل داشت کتاب ۲۳ سال را در ایران چاپ و منتشر کند و بعدها برای من تعریف کرد که: "کتاب ۲۳ سال را به یکی از مهم‌ترین رجل سیاسی آن ایام که من اکنون میل ندارم نام او را افشا کنم دادم، خواند و بسیار هم پسندید. اما به من گفت: صلاح نیست در ایران چاپ شود".

کتاب پس از مدت کوتاهی در لبنان منتشر شد. در سفر بعدی که به اروپا آمد، چند جلد کتاب همراه خود برای من هدیه آورد که هنوز من یک نسخه آن را در کتابخانه خصوصی خودم دارم.

پس از انقلاب افراد گوناگونی را به اتهام نوشتن کتاب ۲۳ سال دستگیر و زندانی کردند. از جمله دکتر علینقی منزوی را که مدت‌ها در بند بود. در همین ایام شادروان علی دشتی هم دستگیر شد. یکی از دلایل دستگیری ایشان نوشتن همین کتاب ۲۳ سال بود ...

ادامه دارد